

د افغانستان د حقوق پوهانو سراسری ټولنه

انجمن سراسری حقوق دانان افغانستان

Global Jurist Association of Afghanistan



فراخوان بخاطر نجات افغانستان

هشتم فبروری ۲۰۲۴ میلادی

۱۹ دلو ۱۴۰۲ هـ. ش

بہ نام خداوند حق و عدالت

طوريكه آگاهند قرار است سازمان ملل متحد در نيمه دوم ماه فبروري سال جاري ۲۰۲۴ جلسه ای را در شهر دوحه مرکز قطر در رابطه با افغانستان دایر نموده و چنانچه اعلام گردیده است در زمینه بحث صورت گرفته و تصامیمی اتخاذ خواهد گردید .

انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان بنابر احساس مسئولیت در قبال افغانستان و مردم مظلوم آن، مواردی را که با هست و بود کشور پیوند دارد، بمثابه مدعی العموم آنها، بدون نسخه پردازی از برج عاج اروپا، (تن رنجور کشور مصیبت زده ما تحمل نسخه پردازی را ندارد) بر اساس کتاب خونبار جامعه بر مبنای منافع ملی سوالات مربوط به هست و بود افغانستان را رُک و راست با هموطنان عزیز مطرح مینماید.

بدون شک افغانستان از قبل و بویژه در دو نیم سال اخیر با مصایب و بحرانات زیاد مواجه بوده است و ما با دید مسلکی و آسیب شناسانه بخاطر بیرون رفت کشور از منجلاب کنونی به بحران کلیدی ترکیز مینمائیم و با طرح سوالات آتی، راه واقعی و عملی نجات را پیشنهاد مینمائیم:

- آیا در افغانستان دولت وجود دارد؟

- چرا افغانستان درین مدت طولانی دو نیم سال با فقدان دولت و تضعیف هویت سیاسی تاریخی

مواجه است؟

- آیا در جهان ما، یک کشور بدون دولت مشروع و منزوی از جامعه بین المللی درنقشه جهان

تداوم یافته میتواند؟

- چرا اداره سر پرست (حکومت دیفکتوی طالبان)، نتوانسته درین دو نیم سال بحران حقوقی را

مهار و راه رفتن به مشروعیت را بوجود آورد؟

- چرا افغانستان کماکان با صلح پایدار که نیاز و شرط بقای جامعه و خواست اساسی مردم ما است و با مفاهیم آزادی، مصونیت و عدالت تعریف می‌گردد، فرسخ‌ها فاصله دارد؟

- چرا افغانستان در انزوای بین‌المللی و جدا از هنجارهای مرسوم جهانی قرار دارد؟ و در حالیکه آماج ذهنیت تکفیری است و به مأمّن امن تروریستان بین‌المللی (حسب گزارش اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد گروه تروریستی بین‌المللی در افغانستان فعال اند) مبدل گردیده و به همین دلیل بحیث منبع خطر برای همسایه‌ها و جهان پنداشته می‌شود.

- در حالیکه فقر ملیونی بحیث «دروازه کفر» بیداد مینماید و خطر وقوع فاجعه بشری، سقوط اقتصادی، مهاجرت کتلوی، بیکاری، جان‌مليونها هموطن ما را تهدید مینماید، زعامت طالبان با برخورد متحجرانه و تنگ‌نظرانه دین و آیین مردم را به گروگان گرفته و به ریش و حجاب چسپیده و بیشتر از نصف نفوس را با تبعیض خشن جنسیتی از حقوق اساسی محروم و دختران را از حق تحصیل محروم ساخته اند. مسؤلان حکومت دیفکتوی طالبان با ترکیب تک‌گروهی، تک‌صنفی، تک‌جنسیتی، با شیوه تبعیضی و ناقض حقوق شهروندی، طی این مدت، تنظیم تمام امور را به صورت عام به شریعت اسلامی محول و حقوق و آزادیهای مردم را به «ارزشهای اسلامی و ملی» حواله میدهند. مبرهن است که مقابله با چنین مصایب - جانکاه فقط در وجود یک دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر ممکن می‌گردد.

چنین دولت تنها در وجود قانون اساسی، حاکمیت قانون و عدالت شکل می‌گیرد. این حاکمیت قانون است که راه را بسوی مشروعیت و اعمال حق حاکمیت ملی که بر اساس ارزشهای دینی و نورمهای قبول شده بین‌المللی که از صلاحیت انحصاری مردم است، باز مینماید.

دستیابی به این مأمول - سترگ ملی و مهار ساختن بحران بزرگ حقوقی (که حل سایر بحرانها در گرو پرداختن بدان می‌باشد) همانا انفاذ قانون اساسی است، که با دین و آیین ما، مطابقت داشته که بمثابة شاه کلید حل تمام مسایل و مصایب پنداشته می‌شود.

در قرن (۲۱) قانون اساسی پل وصل افغانستان با جامعه بین‌المللی است، درین وثیقه ملی است که تعهد و الزام دولت افغانستان به منشور سازمان ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی مسجل و منبع اطمینان آن سازمان و سازمانهای بزرگ اقتصادی و فرهنگی جهان قرار می‌گیرد.

انفاذ قانون اساسی یگانه راه تحدید قدرت خودکامه و استبدادی است که راه را برای تقسیم واقعی قدرت، (بشکل عمودی و افقی)، تفکیک قوای ثلاثه دولتی و تنظیم بافت دقیق و دیموکراتیک مرکز و محلات، بوجود می‌آورد و زمینه ساز اشتراک مردم در قدرت و اداره دولتی می‌گردد.

حاکمیت قانون چتر کلان برای تمام احاد ملت اعم از حکومت‌کنندگان و شهروندان و گذار جامعه به ثبات می‌باشد.

قانون صلاحیت‌های دولت و مکلفیت مردم را مشخص و حقوق و آزادیهای شهروندی را تعریف مینماید تا در پر تو آن منتقدان و مخالفان سیاسی نظام به صورت مدنی انتقاد و مخالفت شانرا ابراز نمایند و از حقوق مشروع شان دفاع نمایند.

افغانستان بمتابۀ کشور متشکل از اقوام و مذاهب مختلف به یک چتر بزرگ ملی نیاز دارد که زمینه را برای ادغام (انتیگریشن) اجتماعی در جامعه ای بشدت منقطب و پر التهاب مساعد و تمام مردم و منسوبان رژیم‌های مختلف از شاهی تا طالبان را مورد پوشش قرار دهد. این چتر در مرحله کنونی همانا قانون اساسی است که امکان حضور همه را بشمول طرفداران نظام های سیاسی مختلف در پروسه های کلان سیاسی و گفتمان بزرگ ملی، ممکن می‌سازد.

انفاذ قانون اساسی در بحث و گفتمان ملی افغانستان شمول فرصت آنرا مساعد می‌سازد تا مردم به رژیم دلخواه شان، موافقه نمایند.

خواست از انفاذ قانون اساسی و استقرار حاکمیت قانون، ارزش بزرگ ملی و تاریخی و میراث مشروطه خواهان سترگ افغانستان است که در صد سال اخیر مردم بخاطر آن مبارزه نموده اند.

زعامت طالبان باید به این سوال توجه نمایند که :

در بین تمام کشورهای جهان، چرا اسرائیل و افغانستان قانون اساسی ندارد ؟

تراژیدی خونبار افغانستان معلول و محصول مداخله و تجاوز خارجی و رقابت قدرتهای رقیب بین المللی و اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت حقوقی و شکست اخلاقی شان در قبال افغانستان و مردم ان اظهر من الشمس میباشد.

اما، متأسفانه درین مدت، « جامعه بین المللی » با تمام مکلفیت اخلاقی (Moral Obligation) در قبال افغانستان و مردم آن، هیچگاهی بر انفاذ قانون اساسی و یا تعهد حکومت دیفکتوی طالبان به منشور سازمان ملل متحد، تاکید جدی نکرده است و پیوسته با تداوم سیاست های کجدار و مریز از « حکومت همه شول » صحبت مینماید که دراذهان مردم ما، همان شرکت سهامی و کلیتوکراسی دهه اخیر را تداعی مینماید.

وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بویژه سازمان ملل متحد به ندای برحق اکثریت خاموش افغانستان، بخاطر رسیدن به خواست انسانی آنها و تحقق ارزشهای مندرج در منشور ملل متحد و ارزشهای جهانشمول حقوقی آن مساعی جمیله شان را بخرچ دهند.

عدم تمکین "تحریک اسلامی طالبان" و حکومت دیفکتوی آنها به خواست مردم و اراده ملی، عواقب هولناک نابودی کشور را در قبال دارد.

بدینرو:

انجمن (در تداوم فراخوان های قبلی) از تمام وطندوستان، پاسداران حفظ و سلامت افغانستان، مدافعان حقوق و آزادی های مردم، مدافعان حقوق و داعیه برحق زنان و دختران، طرفداران دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر منبعث از اراده آزاد مردم، نهاد های مدنی، سیاسی، پاسداران حاکمیت قانون، دادخواهان، منوران، روشنگران، منسوبان معارف، مجامع اکادمیک، شخصیت های علمی - فرهنگی، اهل موسیقی، مخالفان خشونت و تبعیض دعوت مینماید تا به چنگ زدن به مصالح علیای افغانستان و منافع مردم مظلوم ما :

در یک حی علی الفلاح تاریخی به حبل المتین (ریسمان نجات) چنگ بزیم و انفاذ قانون اساسی و استقرار حاکمیت قانون را که زمینه ساز اعمال حق حاکمیت ملی و حقوق شهروندی است، بمتابۀ خواست مشترک بمتابۀ داعیه ملی و جهانی در سر خط کار خود قراردهیم.

به یاد داشته باشیم که حق داده نمی‌شود! برای رسیدن به این آرمان سترگ ملی نیاز است تا در یک رستاخیز عظیم تاریخی و راه اندازی نهضت سراسری مدنی بدور از هر نوع حب و بغض و گرایشات قومی، زبانی، سمتی و ایدئولوژیک در داخل و خارج کشور ازین داعیه برحق مردم دفاع و صدای مشترک خود را به جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد برسانیم.

افغانستان وطن و قلب مشترک هر شهروند و تمام اقوام با هم برادر و برابر این سرزمین-حماسه و فاجعه است. همه با هم و به انکاء به وحدت ملی که بقول شاه امان الله، موجودیت کشور واحد در گرو آن است، در یک دایره وسیع وفاق منورانه و ملی، با پاسداری از «انقلاب امید» سهم شایسته خود را در مبارزه تاریخی علم و جهل، به دفاع از حق حیات و کرامت انسانی، آزادی، عدالت، ترقی، مساوات و بخاطر حفظ و تداوم مادر وطن (افغانستان عزیز) ایفا نماییم.

با حرمت

هیات اجراییه انجمن
میر عبدالواحد سادات رییس انجمن
هشتم فبروری ۲۰۲۴ میلادی
۱۹ دلو ۱۴۰۲ هـ. ش